



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام

استاد راهنما

دکتر رهدار

استاد مشاور:

دکتر بهروز لک

نگارش:

محمد میثمی فر

شهریورماه ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام

استاد راهنما

دکتر رهدار

استاد مشاور:

دکتر بهروز لک

نگارش:


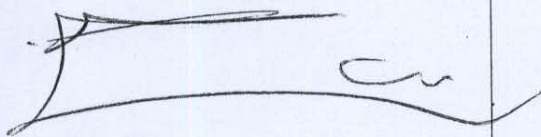
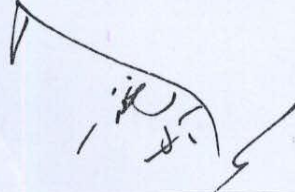
محمد میثمی فر

شهریورماه ۱۳۹۲

صور تجلسه دفاعیه پایان نامه

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای محمد میثمی فر دانشجوی رشته اندیشه سیاسی در اسلام به شماره دانشجویی ۹۴۱۵۱۸۱۴۰ با عنوان: «الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلامی» با حضور هیأت داوران دانشگاه باقر العلوم علیه السلام در تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۳۰ برگزار شد، نظر هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد.

○ قبول با درجه: « عا » نمره: با عدد « ۱۹ » با حروف « نوزده تا »
○ غیر قابل قبول

هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
استاد راهنما	احمد رهدار	استادیار	
استاد مشاور	غلامرضا بهروزی لک	دانشیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی	سید محمد تقی آل غفور	استادیار	

محمد مهدی راستگو
مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی
امضاء

محمد مهدی راستگو
کارشناس امور پایان نامه
امضاء

ماده ۲۰: پایان نامه توسط هیأت داوران در پنج درجه ارزشیابی شده و به هر درجه نمره ای تعلق می گیرد.

۱- نمره ۲۰ تا ۱۹ عالی	۲- نمره ۱۸ تا ۱۸/۹۹ بسیار خوب	۵- نمره کمتر از ۱۴ غیر قابل قبول
۲- نمره ۱۶ تا ۱۷/۹۹ خوب	۴- نمره ۱۴ تا ۱۵/۹۹ قابل قبول	

* محاسبه میانگین ارزشیابی هیأت داوران توسط نماینده شورای تحصیلات تکمیلی انجام می گیرد. **

این تحفه‌ی کم قابل تقدیم به تمامی خانواده‌های
شه‌دای مظلوم و پر افتخار مدافع حرم که با گذشتن از
عزیزترین عزیزان خویش، داغ خدشه وارد کردن بر
حریم اهل بیت علیهم السلام را بر پیشانی کوردلان زمانه
حک کردند و صبورانه و زینب‌وار فراغ عزیزانشان را به
جان خریدند تا عزت و سرافرازی را به ایران و ایرانیان
هدیه کنند.

و تقدیم به همسر گرانقدرم که در تمام فراز و فرودهای
روزگار، همراهی امین و امینی همراه برایم بوده و هست.

تقدیر و سپاس از تمامی زحمت کشان عرصه تعلیم و تربیت،
خصوصاً اساتید بزرگواری که در طول تحصیل، هدایت گر راه و
زندگی علمی من بوده‌اند.

تشکر ویژه از اساتید عزیزم جناب آقایان دکتر رهدار و بهروزلک و
استاد و سرور گرانقدرم جناب آقای دکتر آل غفور که همواره در
سال‌های متمادی این شاگرد ناقابل را مورد محبت و لطف خویش
قرار دادند.

چکیده

الزام سیاسی در عمده متون در ضمن بحث مشروعیت بحث می‌شود. چرایی اطاعت‌پذیری، «چرا انسان‌ها باید از حاکم اطاعت کنند؟» از منظر فلسفه سیاسی اسلام با روشی توصیفی تحلیلی پاسخ داده می‌شود. توجیه الزام سیاسی در هر نظامی بر اساس اعتقادات و اهدافی که در نظام سیاسی دنبال می‌کند متفاوت است. دیدگاه‌های غیر دینی با اصولی مانند قانون طبیعی یا اراده انسانی در قالب؛ اختیارگرایی، غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی و دیدگاه‌های مبتنی بر حاکمیت الهی با تأکید بر مرجعیت الهی در صدد تبیین اطاعت‌پذیری می‌باشند. رویکردهای مذهبی و به طور خاص اسلام، الزام سیاسی را در قالب یک اندیشه‌ی وحیانی مدعی سیاست‌ارایه می‌کنند. درواقع الزام سیاسی، به گونه‌ای الزام دینی می‌باشد؛ یعنی تعهد و تکلیف فرد به متابعت از حاکمیت الهی و قوانینی که از سوی یک مرجع ماورایی وضع، و توسط واسطه‌ای به مردم ابلاغ شده. با بیان مبانی؛ خداشناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی و پیوند آنها به یکدیگر، لزوم اطاعت از حاکم الهی اثبات می‌شود. با توجه به خصوصیات انسانی و اجتماعی نوع بشر، اثبات حقانیت حاکمیت الهی با براهین عقلی و سعادت‌طلبی ذاتی انسان‌ها، این مهم اثبات می‌شود. به دنبال توجیه لزوم اطاعت‌پذیری و الزام سیاسی در برابر حاکم الهی، آثار فراوانی در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان برای او اثبات می‌گردد. به این ترتیب است که انسان به رغم خصلت آزادی‌خواهانه و میل و گرایش طبیعی به آزادی، خودخواسته و با میل باطنی، خویشتن را در چارچوب این الزامات قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: فلسفه سیاسی، الزام سیاسی، حاکمیت

فهرست مطالب:

مقدمه.....	۱
بیان مسأله.....	۱
اهمیت و فایده.....	۲
سابقه تحقیق.....	۲
سوال اصلی پژوهش.....	۳
فرضیه پژوهش.....	۳
سوالات فرعی.....	۴
متغیرهای تحقیق:.....	۵
روش پژوهش.....	۵
سازماندهی پژوهش.....	۵
فصل اول: کلیات و مفهوم شناسی.....	۷
۱-فلسفه.....	۷
۲-فلسفه سیاسی.....	۸
۲-۱-ضرورت فلسفه سیاسی.....	۱۱
۳-فلسفه سیاسی اسلام.....	۱۳
۴-الزام سیاسی.....	۱۴
۴-۱-معنای لغوی الزام.....	۱۵
۴-۲-تبیین الزام سیاسی.....	۱۶
۴-۳-تبیین الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلامی.....	۱۹
۴-ماهیت الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلامی.....	۲۰

- ۵-۱- رهیافت الزام سیاسی از منظر مذهبی-اسلامی..... ۲۲
- ۵-۲- حق الهی..... ۲۳
- ۵-۳- الزام سیاسی در حوزه‌های مختلف فکری اسلامی..... ۲۴
- ۵-۳-۱- جبر و اختیار و الزام..... ۲۴
- ۵-۴- وحی منبع اخذ قوانین و الزام سیاسی..... ۲۵
- ۵-۵- الزام سیاسی؛ الزامی اخلاقی..... ۲۷
- ۵-۶- الزام حق اختصاصی خداوند..... ۲۸
- ۵-۷- الزام سیاسی، اعتقاد یا التزام..... ۲۸
- ۵-۷-۱- واکاوی التزام..... ۲۸
- ۵-۷-۲- عصر رسالت..... ۲۹
- ۵-۷-۳- عصر امامت..... ۲۹
- ۵-۷-۴- عصر فقاہت..... ۳۰
- ۵-۷-۵- شرایط حاکم دینی..... ۳۱
- ۵-۷-۶- استفتائات مقام معظم رهبری در خصوص اطاعت از ولایت فقیه..... ۳۱
- ۵-۷-۷- الزام بدون اعتقاد..... ۳۲
- ۵- نظریه‌های الزام سیاسی (غیر دینی)..... ۳۳
- ۵-۱- رهیافت اختیارگرایانه..... ۳۳
- ۵-۱-۱- الزام سیاسی و ایده قرارداد اجتماعی..... ۳۴
- ۵-۱-۲- الزام سیاسی و ایده رضایت..... ۳۴
- ۵-۲- رهیافت غایت‌گرایانه..... ۳۵
- ۵-۲-۱- الزام سیاسی و شرح فایده‌گرایی..... ۳۵
- ۵-۲-۲- الزام سیاسی و خیر عمومی..... ۳۶

۳-۵- ره یافت وظیفه گرایانه.....	۳۶
۶- بررسی تطبیقی نظریه الزام سیاسی اسلام با نظریات رایج الزام سیاسی.....	۳۷
۷- نتیجه گیری.....	۳۸
فصل دوم: مبانی الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام.....	۳۹
۱- مبانی انسان شناسی.....	۳۹
۱-۱- موجودیت اجتماعی انسان.....	۴۰
۱-۲- هدف مندی زندگی.....	۴۲
۱-۳- انسان نیازمند مرشد و راهنما.....	۴۳
۱-۴- عقلانیت نظام های اجتماعی.....	۴۴
۱-۵- هدف مشترک.....	۴۴
۱-۶- انسان شناسی نقطه سیر خداشناسی.....	۴۴
۱-۷- قانون پذیری انسان.....	۴۵
۱-۸- دین کامل ترین قانون.....	۴۵
۱-۹- نقش مردم در تحقق نظام سیاسی.....	۴۶
۱-۹-۱- نظریه اصالت دموکراسی.....	۴۶
۱-۹-۲- مشروعیت تکمیلی.....	۴۷
۱-۹-۳- نقش فرعی مردم.....	۴۷
۱-۹-۴- نفی هرگونه نقشی برای مردم.....	۴۷
۱-۹-۵- نظریه امام خمینی ره در خصوص نقش مردم در نظام اسلامی.....	۴۷
۱-۹-۶- قاعده نظام احسن.....	۴۹
۱-۹-۷- نقش مردم در تحقق نظام سیاسی از دیدگاه فارابی.....	۵۰
۱-۹-۸- مشروعیت الهی.....	۵۰

۵۰	۱-۹-۹- مقبولیت اجتماعی.....
۵۰	۲- مبانی خداشناسی.....
۵۱	۲-۱- راه‌های خداشناسی.....
۵۲	۲-۱-۱- خداشناسی فطری.....
۵۳	۲-۲- جهان بینی اسلام.....
۵۳	۲-۲-۱- جهان‌بینی مبتنی بر اعتقاد به خدای فعال.....
۵۴	۲-۲-۲- جایگاه قانونگذاری انسان.....
۵۵	۲-۲-۳- توحید ذاتی و صفات خداوند.....
۵۵	۲-۲-۴- توحید افعالی خداوند.....
۵۵	۲-۳- جهان‌بینی سیاسی.....
۵۷	۲-۳-۱- حق اطاعت خداوند.....
۶۰	۲-۳-۳- ادله عقل نظری بر حصر حاکمیت در ذات خدای متعال.....
۶۰	۲-۳-۴- برهان اول.....
۶۰	۲-۳-۵- برهان دوم.....
۶۰	۲-۳-۶- ادله عقل عملی بر حصر حاکمیت در ذات مقدس باری تعالی.....
۶۰	۲-۳-۷- برهان اول.....
۶۱	۲-۳-۸- برهان دوم.....
۶۱	۲-۳-۹- تکلیف انسان پس از شناخت حاکمیت حقه الهی.....
۶۲	۲-۳-۱۰- نمایندگان خداوند در زمین.....
۶۲	۳- مبانی فرجام‌شناسی.....
۶۳	۳-۱- فلسفه سیاسی فارابی.....
۶۵	۳-۲- عناصر غایی در فلسفه سیاسی فارابی.....

۶۵	۳-۲-۱- کمال
۶۵	۳-۲-۲- سعادت
۶۶	۳-۳- مفهوم سعادت
۶۶	۳-۴- انواع سعادت
۶۷	۳-۵- عناصر موثر در وصول به سعادت
۶۷	۳-۵-۱- اجتماع
۶۷	۳-۵-۲- نظام سیاسی
۶۷	۳-۵-۳- رهبری
۶۷	۳-۶- فرد و جامعه
۶۹	۳-۷- منشأ حیات اجتماعی
۷۰	۳-۸- سیاست فاضله
۷۰	۳-۹- خاستگاه حکومت
۷۱	۴- نتیجه گیری
۷۲	فصل سوم: مسائل الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام
۷۲	۱- مشروعیت
۷۳	۱-۱- مفهوم مشروعیت
۷۳	۱-۲- منابع مشروعیت
۷۴	۱-۳- نظریه‌های مشروعیت حکومت
۷۴	۱-۳-۱- نظریه قرارداد اجتماعی
۷۴	۱-۳-۲- نظریه رضایت
۷۴	۱-۳-۳- نظریه اراده عمومی
۷۴	۱-۳-۴- نظریه عدالت

۷۴	۱-۳-۵- نظریه سعادت یا ارزش‌های اخلاقی.....
۷۵	۱-۳-۶- نظریه مرجعیت امر الهی یا حکومت الهی.....
۷۵	۱-۴- مبانی مشروعیت حکومت دینی.....
۷۷	۲- آزادی.....
۷۷	۲-۱- حد و مرز آزادی.....
۷۸	۲-۲- آزادی حق خدادادی.....
۷۹	۲-۲-۱- اراده و اختیار.....
۸۰	۲-۲-۲- آزادی و الزام سیاسی.....
۸۱	۳- مشارکت سیاسی.....
۸۳	۳-۱- ضرورت مشارکت سیاسی.....
۸۷	۳-۲- عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم.....
۸۸	۳-۲-۱- عوامل فرهنگی.....
۹۰	۳-۲-۳- هویت سازی.....
۹۰	۳-۲-۴- عدالت اجتماعی.....
۹۰	۳-۲-۵- گروه‌های نفوذ.....
۹۰	۳-۲-۶- تحصیلات و آگاهی.....
۹۱	۳-۲-۷- دین و مذهب.....
۹۱	۳-۳- انتخابات نماد مشارکت سیاسی.....
۹۲	فصل چهارم: پیامدهای الزام سیاسی.....
۹۲	۱- آثار فردی الزام سیاسی.....
۹۲	۱-۱- امنیت.....
۹۳	۱-۲- عدالت و آرامش در جامعه و زندگی افراد.....

- ۱-۳-بسترسازی برای وصول به سعادت دنیوی و اخروی.....۹۴
- ۲- آثار اجتماعی الزام سیاسی۹۶
- ۲-۱-انسجام درونی جامعه و تقویت پیوندهای اجتماعی.....۹۶
- ۲-۲-مقبولیت مردمی.....۹۶
- ۲-۳-اثبات و تقویت جایگاه رهبری.....۹۷
- ۲-۴-ایجاد ثبات در حاکمیت.....۹۸
- سرمایه اجتماعی.....۹۹
- ۲-۵-۱- نقش عضویت در سرمایه اجتماعی.....۱۰۴
- ۲-۶-۱-اعتماد.....۱۰۴
- ۲-۶-۱-رابطه سرمایه اجتماعی و اعتماد.....۱۰۵
- ۲-۶-۲-عوامل ایجاد اعتماد.....۱۰۷
- ۲-۶-۲-۱- صداقت و پیشگامی در عمل عامل اعتماد.....۱۰۷
- ۲-۶-۲-۲- حسن تدبیر و نیکو اداره کردن امور.....۱۰۷
- ۲-۶-۲-۳- برابری و عدم تبعیض.....۱۰۷
- ۲-۷-الزام سیاسی تقویت ضمانت اجرای قوانین۱۰۸
- ۲-۷-۱- ضمانت اجرایی درونی برای قوانین.....۱۰۹
- ۳- پیامدهای عدم الزام و اطاعت‌پذیری از حاکمیت الهی۱۱۰
- ۳-۱-بی‌نظمی و هرج و مرج.....۱۱۰
- ۳-۲-ناکامی و شکست.....۱۱۱
- ۳-۳-تفرقه و اختلاف.....۱۱۲
- ۳-۴-نفوذ دشمنان و مخالفان نظام.....۱۱۲
- ۳-۵-خطر استحاله فرهنگی.....۱۱۳

خاتمه: نتیجه گیری	۱۱۳
۱- ماهیت الزام سیاسی	۱۱۳
۲- نظریه های الزام سیاسی	۱۱۵
۳- مبانی الزام سیاسی	۱۱۵
۴- مسائل الزام سیاسی	۱۱۸
۵- پیامدهای الزام سیاسی	۱۱۹
فهرست منابع.....	۱۲۲

مقدمه

بیان مسأله

الزام سیاسی از جمله مفاهیم پایه و اساسی در اندیشه سیاسی می‌باشد، که از دو منظر فقه و فلسفه سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه الزام سیاسی در هر کدام از دو دیدگاه مذکور، روش‌های متفاوتی دارد، فقه سیاسی، روش نقلی و با تمسک به نصوص و فلسفه سیاسی با روش عقلی و شیوه‌ای انتزاعی، بنیادهای فکری و مباحثی چون: غایات، ماهیت، مبانی و ابزارهای حکومت در کسب اقتدار، قدرت و ارتباط فرد و دولت را مورد کنکاش قرار می‌دهد. الزام سیاسی دارای دو جنبه است، که هر کدام به نوبه و در جای خویش دارای ارزش و جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. هر کدام از این دو بخش دارای تعاریف، کارویژه‌ها، مسائل و مباحث مجزایی است که وجود هردو بعنوان دو طرف مبحث الزام سیاسی و تحقق علمی و عملی آن لازم و ضروری می‌باشند. اگر الزام سیاسی را به ترازویی تشبیه کنیم، قطعاً شهروندان و دولت دو کفه آن خواهند بود که هر کدام با قرار گرفتن در جای خویش نقش بسزایی در ایجاد توازن و ثبات در جامعه ایفا می‌نمایند. حکومت یا حاکم بعنوان یک طرف الزام سیاسی در جایگاه مرجع قدرت با ارائه منشأ و مبنای مشروعیت و دیگر مسائل مربوط به آن سعی در توجیه و به اثبات رساندن حقانیت خویش و نتیجتاً کسب مقبولیت از جانب شهروندان را دارد. شهروندان و مردم نیز بعنوان بخش دوم و طرف دیگر الزام سیاسی، خود را در مقابل الزام به اطاعت‌پذیری از حاکم می‌بینند و این پرسش

اساسی را پیش رو قرار می‌دهند که، چرا و بر اساس کدام مبنا و استدلالی باید خود را در چارچوب الزام سیاسی مذکور محدود و محصور نمایند؟. بخش اول که مبانی مشروعیت حکومت است به کرات در قالب‌ها و اشکال گوناگون مورد بحث قرار گرفته است. اما به قسمت دوم الزام سیاسی و سوال مذکور که عنصر تعیین کننده‌ای در تحقق پذیرش و مقبولیت دولت و در نهایت حصول اقتدار حاکمیت، حتی پس از اثبات مشروعیت آن است، کمتر بطور مجزا و مفصل پرداخته شده است. لذا در این رساله تمرکز مباحث تنها بر جنبه اطاعت‌پذیری شهروندان از دولت است. در واقع، بازشناسی مباحث و مسائل مطرح در این بخش از مقوله الزام سیاسی، چیستی و چرایی اطاعت‌پذیری از ناحیه شهروندان، هدف این نوشتار خواهد بود. پاسخگویی به این چیستی و چرایی که؛ «از منظر فلسفه سیاسی اسلامی چرا مردم ملزم به اطاعت از حکومت می‌باشند» نقطه مرکزی بحث می‌باشد و بجز مواردی که به تناسب و ضرورت بحث، نیاز به پرداختن به مباحث مشروعیت حکومت احساس شود، در پی پرداختن به آن جنبه الزام سیاسی نمی‌باشد.

اهمیت و فایده

بی‌شک ثبات اقتدار و حاکمیت هر نظام و سیستم سیاسی، مبتنی بر اصول و مبانی است که به سان پایه‌های بنای آن ایفای نقش می‌نمایند. حال اگر برای یک نظام حکومتی اصول مبنایی متعددی تعریف شود که نقش نگهدارنده را برای آن ایفا کنند، جایگاه شهروندان، همچنین اراده و خواست آنان چه در پذیرش و اطاعت از آن مهمترین عنصر تعیین کننده در قوام اقتدار حاکمیت است. به بیان دیگر، اقتدار مذکور حاصل نمی‌گردد، مگر با توجیه درست و نهادینه شدن الزام سیاسی بطور درونی و باطنی یا به اشکال دیگر صوری، قراردادی یا...، برای شهروندان. میزان اهمیت و فایده بحث الزام سیاسی شهروندان و تسلیم و پذیرش اطاعت‌پذیری از طرف آنها، بعنوان مهمترین رکن و عنصر حفظ اقتدار حاکمیت، در تحلیل و مشاهده آثار و نتایج پذیرش یا عدم پذیرش آن بیشتر آشکار می‌گردد، به نحوی که در صورت نخست، شاهد ثبات و استحکام و در صورت عدم وجود آن، انحطاط و حتی سقوط حکومت را شاهد خواهیم بود.

سابقه تحقیق

با فحص و جستجو در متون علمی، موارد متعددی از نوشته‌ها دیده می‌شود که حول محورهایی چون: فلسفه سیاسی، فلسفه سیاسی اسلامی، الزام سیاسی، اقتدار، مشروعیت، روابط شهروندان و حاکمان و مفاهیم مرتبط و همسان با بخشی از موضوع و عنوان تحقیق حاضر به بیان مطلب پرداخته‌اند. از جمله مواردی که به بحث الزام سیاسی پرداخته کتاب «الزام سیاسی» نوشته جان هورتن و مقالات متعددی در این خصوص می‌باشد. موارد مذکور به‌رغم بحث پیرامون الزام سیاسی، هیچکدام دارای جامعیت و کمال متناسبی در پرداختن به آن از منظر فلسفه سیاسی اسلام نمی‌باشند. لذا این رساله در صدد توجیه الزام سیاسی از منظر فلسفه سیاسی اسلام، بطور جامع و کامل با بیان مفهوم، ماهیت، مبانی و مسائل مرتبط با آن و نیز پیامدهای مثبت و منفی که در الزام یا عدم الزام در جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان بروز خواهد کرد است، که اطاعت‌پذیری را اولاً از این منظر اثبات و ثانیاً؛ آنرا برای شهروندان توجیه و قابل پذیرش نماید.

سوال اصلی پژوهش

مسئله اصلی که دغدغه و نقطه مرکزی این رساله می‌باشد سوال از چرایی الزام به اطاعت‌پذیری شهروندان از حکومت در مبانی فلسفی سیاسی اسلامی است، که آن را در قالب این سوال مطرح می‌کنیم؛ از منظر فلسفه سیاسی اسلام، چرا مردم ملزم به اطاعت از حکومت هستند؟

فرضیه پژوهش

فرض این نوشتار لزوم و وجوب الزام سیاسی یا اطاعت‌پذیری شهروندان از حکومت و نظام سیاسی از منظر فلسفه سیاسی اسلام است. با این توضیح که؛ فرد، در چارچوب فردیت خویش، شاید هیچ الزام و بایندی در برابر دیگران نداشته باشد، ولی به مجرد اینکه خویش را در نظامی اجتماعی سیاسی و در کنار دیگر اعضای جامعه قرار می‌دهد ملزم به اطاعت‌پذیری می‌گردد. در این فرضیه، از منظر فلسفه سیاسی اسلام، شهروندان باید از حاکمیت، حاکم و قوانین جامعه اسلامی اطاعت کنند و خود را نسبت به آنها ملزم بدانند. در واقع به مجرد عضویت در نظام سیاسی این الزامات و تکالیف برای آنها محقق می‌گردد. در فلسفه سیاسی اسلام با استدلالات عقلی بر انتخاب و تشخیص بهترین نوع حاکمیت، بهترین

حاکمی که لایق حکمرانی در نظام سیاسی اسلام است و نیز قواعد و قوانینی که بواسطه اطاعت و الزام به آنها اسباب و زمینه‌ی سعادت و نیک‌بختی شهروندان فراهم می‌گردد، را برای شهروندان معین می‌نماید. در این میان با این توجیهات و استدلال‌ها افراد بواسطه اعتقادات و ملاک‌های خویش برای رسیدن به سعادت، به نوعی باور و اعتقاد درونی در این اطاعت‌پذیری می‌رسند. آنها با اعتقاد و ایمان قلبی بر این باورند که تنها راه نیک‌بختی ابدی آنها، قرار گرفتن در چارچوب حاکمیت الهی بعنوان بهترین و برترین حاکمیت و اطاعت‌پذیری از آن است. این اعتقاد، محدودیت‌ها و تقیداتی که در درون الزام سیاسی نهفته هست را توجیه می‌نماید و شهروندان با باور به صحت و درستی این الزام خود را مقید به آن می‌نمایند. اثبات و باور به حقانیت این‌الزام سیاسی در برابر حاکمیت الهی بار سنگین باید درونی را سبک و قابل هضم می‌نماید. انسان با رسیدن به مشروعیت این الزام از مسیر استدلال و توجیه حقانیت آن، دیگر منافاتی بین این باید(باید از حاکم الهی اطاعت کنم) به ظاهر محدود و مقید کننده با آزادی و طبیعت آزادی‌خواه خویش نمی‌بیند. بلکه آزادانه و بالاختر و نیز با ایمان و اعتقاد به اینکه این مسیر در عین بایدی که در درون خویش نهفته دارد، حامی آزادی و حقوق انسانی او چه در عرصه فردی و اجتماعی خواهد بود. بالتبع براین فرض که اطاعت‌پذیری شهروندان در نظام سیاسی اسلام، لازم و ضروری قلمداد شده است، حدود و ثغوری و قواعد و قوانینی باید حاکم باشد و هست، که بعنوان قوانین الهی، ساخته و پروداخته همان حاکم مشروع‌الزام الاطاعه است و دقیقاً در راستای رسیدن به همان سعادت مطلوب آدمی است که الزام به آنها نیز عین الزام به حاکمیت الهی است.

سوالات فرعی

سوالات فرعی که حول موضوع این رساله و در ذیل سوال اصلی از چرایی اطاعت‌پذیری مطرح می‌گردد عبارتند از:

۱. مفهوم الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام چیست؟
۲. مبانی الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام چیست؟
۳. مسائل الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام چیست؟
۴. پیامدها و نتایج الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام چیست؟

متغیرهای تحقیق:

متغیر وابسته و تأثیرپذیر در این تحقیق، عبارت است از شهروندان، مردم و کلاً انسان از آن جهت که به عنوان ساکنان یک قلمرو سیاسی و یکی از عناصر مهم و سرنوشت‌ساز و یکی از ارکان اصلی قوام حاکمیت به حساب می‌آید، می‌باشد. متغیر مستقل و تأثیرگذار، فلسفه سیاسی اسلام، که شامل مبانی و اصول دین و شریعت اسلام با برداشتی فلسفی سیاسی است که در قالب باورها و برداشت‌های حکما و فلاسفه اسلامی خودنمایی می‌کند و به جنبه‌های اطاعت در نظام سیاسی مربوط می‌باشد.

روش پژوهش

کار انجام شده، توصیفی تحلیلی است. در این روش بیشترین توجه مصروف به آن شده که توصیف جامعی از مبانی و اصولی که در نظام سیاسی اسلام، توجیه کننده مقوله الزام و اطاعت‌پذیری شهروندان از حکومت یا حاکم است انجام گیرد. در این نوشتار به تناسب مباحث، موضوعات و فصول سعی شده است هر کجا نیاز به تحلیل باشد، از آن غفلت نشود.

سازماندهی پژوهش

در قالب یک مقدمه، چهار فصل و یک خاتمه به ارائه مطالب خواهد پرداخت.

مقدمه به بیان طرح تفصیلی تحقیق و تشریح آن پرداخته.

در فصل اول به مفهوم‌شناسی کلید واژه‌های بحث در حد وضوح مفهومی، بیان تعاریف و نیز واکاوی مبحث الزام سیاسی و نظریات رایج در این خصوص خواهیم پرداخت.

فصل دوم؛ مربوط به مبانی و اصولی که در فلسفه سیاسی اسلامی بر اساس آن الزام سیاسی و ایجاد رابطه با جامعه سیاسی و اطاعت‌پذیری شهروندان از حکومت و حد و حدود آن تعریف و توجیه می‌گردد، می‌باشد.